

## مکتبهای وحدتی در فلسفه جدید اروپا

### بخش اول

## نظری به اصطلاحات (ترمینولوژی)

### و نظریه‌های وحدتی غرب

از همان زمانی که در اندیشه بشر ابهام و سرگردانی به چونی و چرایی منظم گرائید و انسان در مقابل سؤالات بیشماریکه داشت در گنجینه ذهن به جوابهایی دسترسی یافت و دانش فلسفه بنحوی منظم و مرتبط راه کمال پیمود، دو مشرب یا مکتب فلسفی پیوسته در مقابل هم قرار گرفتند.

نخست مشرب یا مکتب «وحدت» فلسفی و بعبارت دیگر مکتب «وحدت وجود»، دیگر مکتب «کثرت» که از اعتقاد به «دو بنی» اصل و جوهر جهان تا اعتقاد به تعدد ذات و اصالت ماهیت را دربر میگیرد.<sup>۱</sup>

۱- البته تقسیمات دیگری نیز در عالم فلسفه، از لحاظ «مادی» یا «معنوی» بودن اصل و جوهر جهان و همچنین مکتب «شک» و «جزم» و در این رشته تقسیمات مربوط به «بحث المعرفه»، «غیره»، وجود دارد که در این باب مورد نظر نیست.

اگر تاریخ اندیشه و فکر انسان را با بررسی آثار بزرگان فلسفه از این لحاظ، مورد توجه و امعان نظر قرار دهیم متوجه خواهیم شد که اکثر فلاسفه بزرگ و اندیشمندان ژرف بین بنحوی از انحاء و بطریقی از طرق در اثبات « وحدت » کوشیده‌اند و از رهروان این طریق بوده‌اند.

این مطالب بیشتر از همه در مورد بزرگان فلسفه دوره جدید اروپا صدق میکند و اکثریت قاطع این فلاسفه هر یک بزبانی سخن از « وحدت » اصل و جوهر جهان گفته‌اند بدون اینکه این گرایش در ظاهر امری روشن و بدیهی باشد.

قبل از ورود در بحث اصلی جهت جلوگیری از خلط مبحث و ایجاد ابهام در منظور اصلی این رساله، لازم است چند نکته را متذکر شویم. نخست اینکه منظور از « وحدت وجود » چیست؟ و این اصطلاح مشهور و شناخته شده را که گاه حتی در مفاهیمی مغلوط و غیر واقعی بکار رفته، درجه مفهومی بکار گرفته‌ایم، مخصوصاً با وسعت و گسترشی که این اصطلاح در ارتباط با تصوف و عرفان اسلامی یافته است، ایضاً موضوع حالتی الزامی می‌یابد.

قبل از هر چیز ذکر این نکته را بایسته میدانیم که منظور ما از « وحدت وجود » صرفاً وحدت وجود فلسفی است، نه وحدت وجود عرفانی یا شاعرانه یا « وحدت وجودی » که به صوفیه نسبت داده‌اند. البته منظور از این نظر این نیست که مابین این مکاتب و مشربهای عرفانی و وحدت وجود فلسفی اختلاف بنیادی یا اساسی وجود دارد،

بلکه منظور اینست که در استعمال واژه «وحدت» یا «وحدت وجود» مطلقاً جنبه فلسفی و مفهومی مکتبی آن مورد نظر است.

بدیهی است که در این مختصر امکان بحث همه جانبه در مورد «وحدت وجود» اسلامی را نخواهیم داشت، و ملخصاً اشاراتی در مورد این مکتب، که بیشتر متوجه سلسله فلسفی مکتب اصفهان از صدرالدین شیرازی تا حاج ملاهادی سبزواری می‌باشد، خواهیم داشت.

در این طریق نظر اثبات اصالت و وحدت وجود است. یعنی جهان و هر چه که در قلمرو هستی (بودن) است از يك وجود واحد سرچشمه می‌گیرد و کثرات و موجودات مختلف و ذوات و ماهیات متعدد که بنظر میرسد نیست مگر بروزات و تظاهرات و ظهورات این وجود واحد. اصل جوهر جهان یکی بیش نیست و هر چه که هست و متصور تواند بود به همین اصل واحد و جوهر جاوید و نامحدود پیوسته است. بعبارت دیگر میتوان گفت که اصل ذات باری است و هر چه که در کسوت تکثر و تعدد بنظر میرسد از ظهورات و بروزات ذات واحد اوست و بدین ترتیب خالق و مخلوق، و عالم و معلوم و محرك و متحرك در اصل و جوهر وجود واحدند و همه از جوه مختلف يك حقیقتند. با این تفاوت که بسیط الحقیقه و ذات واحد حق، حقیقت کل اشیاء و امور است ولی آنچه که دارای ماهیت است و محدود و مضطر است فقط از جنبه وجودی در ارتباط با این حقیقت می‌باشد و اگر نه از لحاظ تعیین فردی یا شخصی فانی و از موجودات امکانیه محسوب میگردد. بنا بر این وحدت در وجود است نه در موجودات زیرا موجودات صاحب ماهیتند و ماهیت یعنی حدود و به این ترتیب

هر ذی ماهیتی قابل تجزیه و تقسیم است درحالیکه آن « وجود » که از وحدت آن سخن گفتیم بحث و بسیط است و آنرا نه ماهیتی و نه محدودی نه تجزیه و تقسیمی متصور نیست . پس وحدت در این « وجود » است و اصالت در این « وحدت » است . نتیجه اینکه این وجود واحد کامل بسیط نامحدود جز یکی نتواند بود . پس هر چه هست از عامل و معمول و خالق و مخلوق و محرك و متحرك و خدا و جهان جز در يك « وحدت » مطلق وجود نخواهند یافت و جز يك اصل واحد نخواهند داشت<sup>۱</sup>.

۱- البته چنانکه مورد قبول عموم است ، این موضوع از مشکلات عالم فلسفه و از عویصات مسائل فلسفی است لذا در این مختصر جز بر سیل اشارت و از راه تسامح قابل بحث نخواهد بود . علاقمندان جهت ایضاح بیشتر مراجعه خواهند فرمود به :

- « وحدت وجود و بداء » تألیف استاد علامه سید محمد کاظم عصار ، با مقدمه و حواشی و تصحیح سید جلال الدین آشتیانی ، چاپ مشهد ۱۳۵۰ رجب ۱۳۹۱ .

- « شرح رساله المشاعر » ملا صدرا ، تألیف حاج ملا محمد جعفر لاهیجانی ، با تعلیق و تصحیح و مقدمه استادانه سید جلال الدین آشتیانی ، چاپ مشهد محرم ۱۳۸۳ :

- « کتاب المشاعر » تصنیف صدرالدین محمد شیرازی مشهور به ملا صدرا با ترجمه فارسی بدیع الملک میرزا عمادالدوله و ترجمه فرانسه هانری کرین تهران ۱۳۴۲ .

- « رسائل فلسفی » تألیف محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی ، با تعلیق و تصحیح و مقدمه فاضلانه سید جلال الدین آشتیانی ، مشهد ۱۳۵۲ شمسی و ۱۳۹۲ هجری قمری .

- « منتخبانی از آثار حکمای الهی ایران » از عصر میرداماد و میرفندرسکی تا زمان حاضر ، تهیه و تحقیق و مقدمه و تعلیق از سید جلال الدین آشتیانی چاپ تهران ۱۳۵۱ .

حال باید دید درمقابل چنین مکتبی و چنین موضوعی چه مشرب و مکتبی را از فلسفه جدید غرب برابر مینهیم و مورد تطبیق قرار میدهیم. آیا در غرب مکتبی نیست که بتوان آن را با «وحدت وجود اسلامی» برابر نهاد؟

به اعتقاد نگارنده جواب کاملاً مثبت است، منتهی باید در شناخت و گزینش این دو موضوع جهت تطبیق بسیار دقیق بود و مخصوصاً ذکر وجوه اختلاف را، از لحاظ وسعت احاطه و گسترش مفهوم این دو اصطلاح و این مکاتب وسیع و پیچیده، از نظر دور نباید داشت. از مکاتب و مشربهای غربی که در سطح نخست بدین منظور باید مورد توجه قرار گیرند عبارتند از:

۱- پان تئیسیم<sup>۱</sup> «همه خدائی»

۲- مونیسیم<sup>۲</sup> «تک گرایی یا اصالت وحدت»

البته گذشته از این دو مشرب فلسفی که ذکر شد میتوان از اصطلاحات و مکاتب فلسفی دیگری نیز نام برد که بوسیله بعضی از صاحب نظران و دانشمندان در ترجمه و تطبیق با «وحدت وجود» اسلامی مورد

۱- F. panthéisme - D. panthéismus

E. Pantheism - I. pantheismo

اصطلاح ایجاد شده بوسیله «Toland» در سال ۱۷۰۵ میلادی رجوع شود به:

Boehmer, De Pantheisme nominis origine usu et  
notione. 1851 Rome.

۲- F. monisme - D. monismus, Monistische weltanschauung - E. Monism. I. monismo

توجه قرار گرفته‌اند. مثلاً مستشرق معروف انگلیسی رینولد آلن نیکلسون جهت ترجمه «وحدت وجود» اصطلاح «پان آن تیسم»<sup>۱</sup> را پیشنهاد کرده است<sup>۲</sup> ولی باید یادآور شویم که نظر نیکلسون در این ادعا منحصرأ موقوف به وحدت وجود عرفانی و متصوفه بوده است، لذا نمی‌توان این ترجمه و تطبیق را از لحاظ فلسفی جامع و مانع دانست زیرا گذشته از اینکه این اصطلاح را «کروس» جهت تبیین فلسفه خویش عنوان کرده و عمومیت ندارد، مفاهیم مورد نظر نیز در این مکتب قطعی نگردیده و مطلقیت ندارند. با اینهمه ملخصاً ذکر میکنیم که بنا بر این عقیده همه چیز از خداست، خدای واحدیکه ارتباط آن با عالم کثرت ارتباط علی است و با توجه به اصل قدمت جهان موضوع آفرینش در این مشرب منتفی است، زیرا عالم امکان را نمیتوان قدیم دانست.

در واقع عقاید و آرائی که در این مکتب ذکر گردیده نوعی تفسیر فلسفی عقاید مذهبی است. البته خود اصطلاح نیز گویای این منظور است و درحقیقت همه مذاهب بزرگ معتقدند که همه چیز از خداست

۱ - « همه از خدائی » - F. pantheisme - D. pantheismus.

E. pantheism - I. pantheismo .

اصطلاح ایجاد شده بوسیله « p. Krause » جهت معرفی سیستم فلسفی خود در کتاب،  
System der Philosophie 1828

۲ - R. A. Nicholson . The idea of personality in  
Sufism . Cambriedge

لا غیر.<sup>۱</sup>

پان‌تئیسم - از دو اصطلاح و مکتبی که از آنها جهت تقابل و تطبیق با «وحدت وجود» اسلامی نام بردیم نخست از «پان‌تئیسم» با تلخیص هر چه بیشتر سخن خواهیم گفت. بدین منظور جمله‌ای چند از «آندره لالاند» که در کتاب اصطلاحات فلسفی نقل شده است ذکر می‌گردد:<sup>۲</sup>

الف - اختصاصاً نظریه‌ای که بر اساس آن همه چیز خداست. خدا و جهان یک چیز واحدند، موضوعی که در دو مفهوم اساسی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

۱- خدا تنها حقیقت موجود است و جهان نیست مگر مجموعه‌ای از ظهورات و بروزات او بدون هیچگونه حقیقت باقی و ثابت و جوهری مشخص. جهت مثال پان‌تئیسم اسپینوزا.

۲ - جهان تنها حقیقت موجود است و خدا نیست مگر مجموع آنچه که هست. جهت مثال نظیر پان‌تئیسم هولباخ<sup>۳</sup> و دیدرو<sup>۴</sup> و

۱- دو اصطلاح زیر نیز در ترجمه تحت اللفظی می‌توانند جهت تقابل با وحدت وجود مورد استفاده قرار گیرند:

Monisme existentiel - Unité de l'existence

البته متذکر شویم که این دو اصطلاح نشان دهنده یک مکتب یا مشرب بخصوص غربی نیست بلکه دو ترجمه نزدیک به اصطلاح مورد نظر ماست.

۲- A. Lalande. Vocabulaire technique et Critique de la philosophie. Paris 1968. P. U. F, P. 732-733.

۳- فیلسوف فرانسوی Paul Henri Dietrich baron d'Holbach (۱۷۸۹-۱۷۲۳).

۴- فیلسوف فرانسوی Denis Diderot. (۱۷۸۴-۱۷۱۳)

هکلیا نیسته‌های چپ که غالباً آنرا پان تئیسیم طبیعی<sup>۱</sup> یا پان تئیسیم مادی می‌نامند.

ب - در یک مفهوم وسیع و در درجه اول ادبی نه فلسفی، یک روش روحی که عبارت است از نمایش خود در طبیعت بصورت یک واحد زنده، که جهت آن نوعی تعلیم روحی را اعتقاد می‌ورزند.

لااخذ در ادامه همین بحث و در نقد فلسفی موضوع می‌نویسد:  
غالباً پان تئیسیتها را متهم کرده‌اند (در مفهوم نخست که ذکر شد) که آنها در حقیقت همان افرادی هستند که وجود خدا را نفی کرده‌اند منتهی با لباسی دیگر و اظهاراتی پوشیده ...<sup>۲</sup>

1- Panthéisme Naturaliste  
Panthéisme Materialiste

۱- همان کتاب ص ۷۳۳، در همین کتاب و همین صفحه از برونشویک (L. Brunschvig) چنین نقل شده است: بنظر من موضوع اصلی پان تئیسیم عبارت است از قبول و درک خدا بصورت وحدت عالم وجود که این وحدت عبارت خواهد بود یا از «روح همه چیز» و یا «مجموع اجزاء» از لاشلیه (J. Lachelier) نیز چنین نقل شده است: بعقیده من موضوع پان تئیسیم مطرح نخواهد بود اگر بگوئیم که چیزی جز مجموع موجودات طبیعی، یا حتی یک موجود مطلقاً مادی، چیز دیگری وجود ندارد، بنظر من پان تئیسیم، نخست وحدت موجودات را میپذیرد، و سپس این نظر را اختیار میکند که این موجودات در نهایت امر موجودات معنوی (Sprituel) هستند ...

تذکر: از ذکر کلمه «وحدت موجودات» که در ترجمه نظر لاشلیه بکار رفت نظریه مربوط به «وحدت موجود» متبادر بذهن نگردد. در این مطلب موضوع راجع به همان «وحدت وجود» است نه موجود.

در دیکسیونر زبان فلسفی « پل فولکیه و سنت ژان » در این مورد چنین میخوانیم: « ... بطور کلی « پان تئیسیم » نظریه ایست که بر اساس آن خدا موجودی متشخص و متمایز از جهان نیست. این مکتب در تقابل با خدا شناسی مذهبی است نه خدا شناسی. پان تئیسیم نوعی از « مونیسیم است » ( مونیسیم پان تئستی یا مونیسیم مطلق ... )<sup>۱</sup>

در این کتاب گذشته از تقسیم بندیهای مشابهی که نظیر کتاب « لالاند » منتهی با جزئی تفاوتهایی، ذکر گردیده در مورد « پان تئیسیم شعرا » نیز بحث شده است. سیستمی که در واقع مبتنی است بر احساس نه عقل و استدلال و یک مشرب شاعرانه و تخیلی که در آن همه چیز بر آمده از طبیعتی است با نیروی حیاتی جاری در کل و مجموع آنچه که هست، طریقی معنوی و احساسی که بوسیله دلیل و استدلال به آن نمیتوان دست یافت و باید از راه عشق و جذب و شور در این طریق ره پیمود.<sup>۲</sup>

با توجه در این مطالب خواننده محترم متوجه میشود که ناچه اندازه مفاهیم و نظریات مختلفی که در محدوده این اصطلاح قرار دارند با وحدت وجود اسلامی در کلیت و مجموع آن، تشابه و نزدیکی نشان میدهند. حتی وحدت وجود شاعرانه و عرفانی نیز بنحوی بارشته هایی از این مکتب غربی نزدیکی مییابد. منتهی ممکن است این ایراد بنظر

۱ - P. Foulquié - R. saint Jean, Dictionnaire de la  
langue Philosophique. Paris 1969 P. U. F, P. 508 .

۲ - همان کتاب ص ، ۵۰۹ .

برسد که در وحدت وجود اسلامی جنبه مادی و طبیعی وجود ندارد و مثلاً نمیتوان گفت « وحدت وجود مادی یا طبیعی » در حالیکه مشاهده کردیم در غرب سخن از « پان تئیسیم مادی یا طبیعی » گفته شده است<sup>۱</sup>

گذشته از اینکه نمیتوان بطور قطع مدعی بود که در عالم اسلام بعضی از وحدت‌نظری مشابهه اینک « خدا نیست مگر مجموع آنچه که هست ، نداشته‌اند و یا اینک واهمه و ترس از مذهب یا تعصب خون آلود عوام ندای آنها را در گلو خفه نکرده است و یا از راه احتیاط نظر خود را در لباسی دیگر و حالتی دیگر حتی با دست‌یازی به آیات و احادیث و بصورت کاملاً « رمزگرایانه » ذکر نکرده‌اند ، اگر هم چنین نباشد و وحدت وجود اسلامی مکتبی صرفاً معنوی تلقی گردد ، ذکر اصطلاح « پان تئیسیم » بدون اضافات و قیود یا « پان تئیسیم » روحی یا معنوی در این مورد ممکن خواهد بود و ایرادی بنیادی و اساسی در پی نخواهد داشت .

جالب است که حتی اتهامات وارده به این گروه از فلاسفه در شرق و غرب مشابهه و یکسان بوده است و در واقع همان اتهام الحاد و خدا ناشناسی که بجرم آن در شرق گاه فلاسفه وحدتی جان باخته‌اند و

۱- حالات ترکیبی اصطلاح « پان تئیسیم » را بنحو زیر میتوان خلاصه کرد ،

Panthéisme = همه خدائی

Panthéisme Sprituel = پان تئیسیم معنوی یا روحی

Panthéisme Materialiste = پان تئیسیم مادی

Panthéisme Naturaliste = پان تئیسیم طبیعی

Panthéisme Poétique = پان تئیسیم شاعرانه

گاه سالها چون صدرالدین شیرازی<sup>۱</sup> متواری بوده و درخفا زیسته‌اند و یا سری شکسته ارمغان اندیشه فلسفی خویش داشته‌اند، درغرب نیز عیناً جاری و صادق بوده است.

بنظر نگارنده حتی اضافه واژه «مادی» یا «طبیعی» به اصطلاح «پان‌تئیسم» یا «همه‌خدائی» امریست که با تسامح صورت پذیرفته است، زیرا در هیچ تعبیر و تفسیری نمیتوان «خدا» را با مفهوم «مادی» تلفیق و تطبیق نمود و در واقع قبول و تأیید «مادیت» بمفهوم افکار و نفی وجود «خدا» خواهد بود، در ضمن باید یاد آور شویم که اگر منظور از این اصطلاحات ترکیبی اثبات یک جهان واحد بمنوان تنها حقیقت موجود باشد اصطلاحاتی نظیر «آکوسمیس<sup>۲</sup>» و «پان‌کوسمیس» منظور را بهتر و بیشتر دربر دارند و نیازی به ساختن اصطلاحات دوپهلوی دیگر نیست.<sup>۳</sup>

۱- رجوع شود به شرح حال ملاصدرا و انزوای دهساله وی درقریه کاهک و ماجراهای زندگی پرخطر او درمقدمه فرانسه هانری کرین در ترجمه کتاب‌المشاعر که ازطرف انستیتوی ایران و فرانسه بچاپ رسیده است.

۲- Aocosmisme اصطلاح ایجاد شده بوسیله هگل درمورد فلسفه اسپینوزا بااین توجه که اسپینوزا جهان را باخدا یکی دانسته و اصالت جهان را بطور شخصی نفی کرده است.

۳- Pancosmisme اصطلاح ایجاد شده بوسیله گروت (Grote) جهت نشان دادن مفهوم «پان‌تئیسم ماتریالیست»، دراین مفهوم فلسفی که چیز دیگری جز جهان وجود ندارد و هرچه هست دراین وجودواحد خلاصه میشود. رك،

Plato and the others companions of Socrates.

London 1936 I. I. 18

در هر حال اگر هم چنین تداولی در غرب وجود داشته باشد و اصطلاح «پان تئیسیم» با اضافاتی از قبیل «مادی»، و «دهری» در مورد بعضی از مکاتب فلسفی استعمال گردد دلیل قاطعی نخواهد بود بر اینکه از اصل این اصطلاح در ترجمه و مقابل سازی با اصطلاح وحدت وجود نتوان استفاده کرد. زیرا در واقع تفاهیم موجود در «پان تئیسیم» چنانکه ملاحظه شد مشابه و نظیر همان مفاهیمی است که در وحدت وجود اسلامی موجود است. منتهی اگر وجود واحد بحت بسیط را موجودی معنوی و روحانی بدانیم اصولاً موضوع در ارتباط با عقاید مادی یا طبیعی نخواهد بود.

گذشته از «پان تئیسیم» اصطلاح دیگری که جهت ترجمه و برابر سازی با «وحدت وجود» باید مورد بحث قرار گیرد «مونیسیم» یا «تک‌گرایی» می‌باشد. اینک میکوشیم تا بطور اجمال در معرفی نکات مهم این مکتب توضیحاتی داشته باشیم.

مونیسیم - این اصطلاح نخست در مفهومی بسیار گسترده بوسیله «ولف»<sup>۱</sup> ایجاد گردید و به کلیه سیستم‌هایی که معتقدند مجموع موجودات و آنچه که هست در یک «وحدت» کلی مندرجند و تعدد و تکثر ظاهر از ظهورات مختلف یک حقیقت هستند، اطلاق میشود، در این مکتب نه تنها وحدت از لحاظ «جوهر» و اصل جهان مورد تأیید است

۱ - «Wolf» جهت توضیح بیشتر مراجعه شود به کتاب اصطلاحات

فلسفی تألیف آندره لالاند ص ۶۴۹

بلکه از لحاظ قوانین جهان و اصول اخلاقی نیز به يك وحدت ریشه و بن اعتقاد می‌ورزند .

آز لحاظ وحدت « اصل » و « بن » وجود ، این اصطلاح را میتوان در مورد کلیه نظریه‌هایی که همه موجودات به يك حقیقت مادی یا معنوی مربوط میدانند بکار برد ، « گروت » معتقد است که دو رشته اصلی فلسفه جزمی ، که در مقابل فلسفه شك قرار دارد ، عبارتند از « مونیسیم » ، و « دوالیسیم »<sup>۱</sup> . در این طبقه بندی « مونیسیم » خود به دو رشته تقسیم میشود : « مونیسیم مادی »<sup>۲</sup> و « مونیسیم معنوی »<sup>۳</sup> و مونیسیم معنوی نیز خود به « مونیسیم فردی »<sup>۴</sup> و « مونیسیم جمعی »<sup>۵</sup> قابل تقسیم است . از این اصطلاح در مفهوم اصلی آن میتوان جهت نشان دادن نظریه « اوسوالد »<sup>۶</sup> استفاده کرد نظریه‌ای که در آن وجود يك « جوهر »

۱- Dualisme دو اصل‌گرایی یا « ثنویت » البته در مفهوم فلسفی آن ، نه در مفهوم مذهبی و در مقابل « توحید » بلکه در مقابل « وحدت » .

۲- Monisme materialiste

۳- Monisme idéaliste

۴- Monisme egoïste

۵ Monisme Pluraliste

یادآوری : جهت تحقیق تاریخی و مآخذ و منابع رجوع شود به کتاب اصطلاحات فلسفی آندره لالاند ص ۶۴۸

۶- W . Ostwald . Die Energie. 1908 . Vorlesungen  
uber Naturphilosophie 1901

واحدکه همان «انرژی» است اثبات میگردد. جوهر واحدیکه، ماده، جاذبه، حرارت، برق، فکر همه ازصور و حالات مختلف آن شمرده می‌شوند.

اگر مونیسیم را از نقطه نظر ماوراء الطبیعه و از لحاظ منطقی مورد توجه قرار دهیم درحقیقت اصطلاحی است که جهت نشان دادن عقاید هگل و پیروان او جامعیت داشته و کاملاً درمورد عقاید این مکتب صدق می‌کند.

استعمال این اصطلاح بیش از همه درمورد هگلیانیسته‌های انگلستان مخصوصاً عقاید «برادلی»<sup>۱</sup> که در فلسفه اش وحدت عالم وجود را در یک «وجود مطلق» اثبات میکند، متداول است. در این فلسفه موجودات از لحاظ جوهری معقول شمرده میشوند و تعدد و تکثر محسوس و فردیت و ماهیات اموری ظاهری و بی حقیقت می‌باشند. درحقیقت این مکتب یک جریان فلسفی است که در مقابل هر نوع اعتقاد به کثرت یا تنسویت فلسفی قرار می‌گیرد.<sup>۲</sup>

گذشته‌ار این به عقاید هیکل<sup>۳</sup> نیز غالباً «مونیسیم» اطلاق شده است. هیکل در فلسفه خود وحدت مطلق جهان را بدون وجود هیچگونه «آنتی تزی» (برای نهاد یا وضع مقابل) میان روح و ماده، و وحدت

۱- F. H. Bradley

۲- منظور از مکتب «اصالت کثرت» «pluralisme» می‌باشد.

۳- Ernste Haeckel (۱۸۳۴ - ۱۹۱۹) یا هگل فیلسوف بزرگ

آلمان اشتباه نشود.

خدا و عالم را بدون هیچگونه جدائی و دوگانگی، اصل قرار میدهد، در نظر او جهان مخلوق نیست ولی نسبت به قوانین ابدی متأخر است.<sup>۱</sup> همچنین بجز نیروی طبیعی (فیزیکی و شیمیائی) هرگونه نیروی مستقل دیگری را نفی میکند و روح<sup>۲</sup> انسانی را فانی میدانند نه باقی. هیکل دربارهٔ نفی عقیدهٔ مسیحی وجود تمایز و تفاوت مابین فناء جسم و روح نیز عقایدی ابراز داشته است و به کمال مطلق طبیعت و اصالت عقل و علم الجمال نیز معتقد است.

بطور کلی مشاهده میشود که حتی با صرف نظر کردن از عقاید و مکاتب دست دوم که در محدودهٔ اندیشه‌هایی که با اصطلاح «مونیسیم»

۱- این تأخر از لحاظ نشو و ارتقا یا تحول و تطور مورد نظر است. اگر این مفهوم را متناقض و گران یافتید نظر شما را به تحقیق در مفهوم حدوث و قدمت از لحاظ ذاتی و زمانی جلب میکنیم.

۲- در اینجا اجباراً «Ame» فرانسه را نیز «روح» ترجمه کرده‌ایم درحالیکه «Esprit» نیز بهمان واژه «روح» ترجمه شده است. گاه اجبار پیش می‌آید که «Idée» را نیز «روح» ترجمه میکنند. در الزامی که با توجه به محدودیت واژه‌های فلسفی در زبان فارسی موجود است ناگزیریم: ولی باید متوجه تفاوت‌های موجود بود.

«Ame» منحصرراً در مفهوم «روح مذهبی» در عالم مسیحیت مستعمل است درحالیکه «Esprit» در مفهوم روح بطور کلی و وسیع کلمه است و مثلاً میتوان گفت «روح جهان» یا حتی «روح مطلب» درحالیکه «Ame» فقط در مورد روح انسانی مورد استعمال است.

مشخص میشوند، بازعقایدی کاملاً متفاوت در چهارچوب این اصطلاح طبقه بندی شده اند. مثلاً میتوان گفت که هیچ مکتب فلسفی بیش از آنکه مکتب « مونیسم » آلمان با مکتب « مونیسم » انگلستان تفاوت و تمایز دارد، ازهم جدا و متفاوت نخواهد بود.<sup>۱</sup>

باتوجه در آنچه که ذکر شد میتوان گفت بهر نوع نظری که به یک حقیقت واحد معتقد باشد میتوان « مونیسم » گفت، حال این وحدت ممکن است از لحاظ اصل و جوهر وجود باشد یا علت و جهت و غیره، و با این تفصیل روشن است که « ماتریالیسم » ( مادیت ) صرف نیز باتوجه به اعتقاد به یک جوهر مادی واحد، میتواند « مونیسم » تلقی گردد.

در خاتمه از مشخصاتی که برای اصطلاح مذکور میتوان ذکر کرد تقابل مطلق آن با « ثنویت » فلسفی و « اصالت کثرت » است. گذشته از آن در مورد « مونیسم » نیز نظیر مکاتب مشابه دیگر مخالف و تضاد آشکاری موجود است با مسیحیت مخصوصاً با « کاتولیسیزم ».<sup>۲</sup>

نتیجه - باتوجه به مطالبی که ذکر شد میتوان به این نتیجه رسید از دو اصطلاح مربوط به مکاتب وحدتی فلسفه غرب اگر بخواهیم یکی را برای مقابل سازی و ترجمه و تطبیق با « وحدت وجود » اسلامی در نظر

۱- جهت توضیح بیشتر رجوع شود به کتاب اصطلاحات فلسفی آندره لالاند

ص ۶۴۸ - ۶۵۰

۲- این اطلاعات مأخوذ است از کتابهای : اصطلاحات فلسفی لالاند و دیکسونر اصطلاحات فلسفی بل فولکیه و سنت ژان.

بگیریم، نزدیکترین و شایسته‌ترین عنوان «پان‌تئیسم» خواهد بود. زیرا چنانکه در مورد اصطلاحات دیگر مشاهده کردیم هر يك ایرادی بخصوص و تمایزی مشخص داشت. مثلاً نزدیکترین آنها که «مونیسیم» باشد بیشتر جنبه «مادی» را نشان میدهد و وسعت و گسترش این مکتب نیز عموماً در قلمرو مکتبهای مادی بوده است لذا اصلح طرق این خواهد بود که جهت تقابل با وحدت وجود از همان اصطلاح شناخته شده و مشهور «پان‌تئیسم» استفاده نمائیم.

اینک خواهیم کوشید آن عده از فلاسفه بزرگ را که اعتقادشان به وحدت اصل و جوهر وجود است باتکیه بر آن بخش از عقایدشان که روشنگر این مطلب است معرفی نمائیم، و غرض اصلی از این رساله اثبات این مدعی است که اکثریت قریب به اتفاق بزرگان فلسفه غرب نیز چون بزرگان فلسفه اسلام راه «وحدت» راگزیده‌اند و از هر قوم و قبیله و از هر مکتبی که باشند، از مادی و مغنوی، در نهایت به وحدت اصل و ریشه و بن وجود اعتقاد ورزیده‌اند.